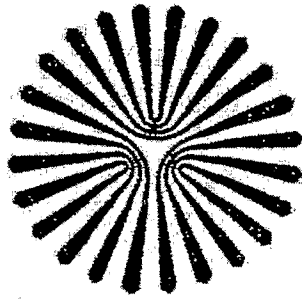
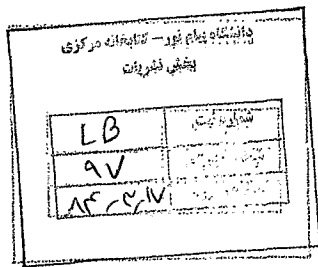


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۲۶



دانشگاه پیام نور

تحصیلات تکمیلی مرکز تهران

گروه علوم تربیتی

عنوان:

تحلیل داستان در کتب فارسی دوره ابتدایی و تاثیر آموزشی و تربیتی آن

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی

مؤلف:

وحیده شریعتی نیا

استاد راهنما:

استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمدرضا سنگری

استاد مشاور:

استاد ارجمند جناب آقای دکتر بهمن زندی

مرداد ۸۳

۹۸۲۴۱

کتابخانه مرکزی
بخش ثبت و فهرست

۱۳۸۳ / ۲ / ۱۸

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان :





تحلیل داستان در کتب فارسی دوره ابتدائی و تاثیر
آموزشی و تربیتی آن

تاریخ دفاع : ۸۳/۷/۲۹

نمره : ۱۷۱۵

درجه ارزشیابی : بسیار خوب

اعضای هیات داوران :

| نام و نام خانوادگی | هیات داوران | مرتبۀ علمی | امضاء |
|---------------------|--------------------|------------|---|
| آقای دکتر سنگری | استاد راهنما | استادیار |  |
| آقای دکتر زندی | استاد مشاور | استادیار |  |
| آقای دکتر ذوالفقاری | استاد داود | استادیار |  |
| آقای دکتر زندی | نماینده محترم گروه | استادیار |  |

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان | چکیده |
|----------------------------|-------|--|
| ۲ | | فصل اول: طرح تحقیق |
| ۲ | | تعریف موضوع تحقیق |
| ۲ | | هدف‌های کلی و آرمانی تحقیق |
| ۲ | | هدف‌ها یا فرضیه‌های ویژه تحقیق |
| ۲ | | روش انجام تحقیق |
| ۲ | | اهمیت موضوع تحقیق |
| ۲ | | محدودیت‌های تحقیق |
| ۳ | | تعریف واژه‌ها و اصطلاحات |
| ۳ | | خلاصه‌ای از سایر فصلها |
| فصل دوم: سابقه موضوع تحقیق | | |
| ۵ | | زبان، ماهیت و ویژگی‌های آن |
| ۷ | | گونه‌های زبان |
| ۸ | | ماهیت ادبیات، انواع کاربرد و تدریس آن در دوره دبستان |
| ۱۷ | | اهمیت قصه و جایگاه آن |
| ۲۲ | | مردم به چه نحو به یکدیگر شکل می‌دهند؟ جامعه‌پذیری |
| ۲۷ | | ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن |
| ۴۱ | | اهداف و اصول زبان‌آموزی و برنامه‌ی آموزش در کتاب‌های ادبیات دوره ابتدایی |
| فصل سوم: روش تحقیق | | |
| ۴۴ | | روش گزینه نمونه |
| ۴۴ | | روش آماری |
| فصل چهارم: | | |
| ۴۶ | | یافته‌های تحقیق |
| فصل پنجم: | | |
| ۵۹ | | تجزیه و تحلیل یافته‌ها |
| ۹۳ | | کتاب خوانی |
| ۱۱۴ | | داستان نمونه |
| فصل ششم: | | |
| ۱۱۸ | | خلاصه تحقیق |
| ۱۱۹ | | پیشنهادات |
| فهرست منابع | | |
| ۱۲۰ | | پیوست: |
| ۱۲۲ | | مصاحبه با یکی از مولفین کتاب‌های درسی |

فهرست جداول

| صفحه | عنوان |
|------|----------|
| ۵۱ | جدول ۱-۴ |
| ۵۲ | جدول ۲-۴ |
| ۵۸ | جدول ۳-۴ |
| ۶۴ | جدول ۴-۴ |
| ۷۱ | جدول ۵-۴ |
| ۷۹ | جدول ۶-۴ |
| ۸۶ | جدول ۷-۴ |

فهرست نمودارها

| صفحه | عنوان |
|------|-------------|
| ۵۹ | نمودار ۱-۴ |
| ۵۹ | نمودار ۲-۴ |
| ۵۹ | نمودار ۳-۴ |
| ۶۰ | نمودار ۴-۴ |
| ۶۶ | نمودار ۵-۴ |
| ۶۶ | نمودار ۶-۴ |
| ۶۶ | نمودار ۷-۴ |
| ۶۷ | نمودار ۸-۴ |
| ۷۳ | نمودار ۹-۴ |
| ۷۳ | نمودار ۱۰-۴ |
| ۷۳ | نمودار ۱۱-۴ |
| ۷۴ | نمودار ۱۲-۴ |
| ۸۱ | نمودار ۱۳-۴ |
| ۸۱ | نمودار ۱۴-۴ |
| ۸۱ | نمودار ۱۵-۴ |
| ۸۲ | نمودار ۱۶-۴ |
| ۸۸ | نمودار ۱۷-۴ |
| ۸۸ | نمودار ۱۸-۴ |
| ۸۸ | نمودار ۱۹-۴ |
| ۸۹ | نمودار ۲۰-۴ |

چکیده

اهمیت داستانها و نقش زبان‌آموزی و تربیتی آنها بر کسی پوشیده نیست. این داستانها در کتابهای فارسی پنج‌ساله ابتدایی نقش اساسی ایفا می‌کند. این نکته به‌خصوص در مورد کشورهای که از نظام آموزشی متمرکز برخوردارند و کتابهای درسی یکسانی را برای کلیه دانش‌آموزان تجویز می‌کنند بیش‌تر مشهود است. اصولاً کودکان زبان‌غیرمستقیم را که همان زبان‌داستان می‌باشد، بهتر درک می‌کنند و پیامهای آن را به‌کار می‌برند. فرضیه‌های این تحقیق، داستانها و تأثیر آموزشی و تربیتی آنها را بر روی دانش‌آموزان ۷ الی ۱۱ ساله بررسی می‌کند و بطور ویژه به تأثیر داستان بر رشد خلاقیت و جامعه‌پذیری کودکان می‌پردازد.

با سپاس:

راهنمایی‌های ارزنده اساتید گرامی

جناب آقایان دکتر سنگری و دکتر زندی

با تشکر از:

جناب آقایان دکتر ذوالفقاری

و

دکتر قاسم پور مقدم

با تشکر از:

زحمات پدر و مادر

و همراهی همسر که در سالهای

تحصیل حامی و مشوق من بود

فصل اول

طرح تحقیق

تعریف موضوع تحقیق:

موضوع این تحقیق، بررسی داستان‌ها در کتاب‌های جدیدالتألیف فارسی دوره‌ی پنج ساله‌ی ابتدایی می‌باشد. همچنین تحلیل این داستانها و سپس تأثیرگذاری این داستانها در رشد تربیتی، آموزشی و اجتماعی کودکان.

ما داستانهای موجود در این پنج کتاب را در سه حوزه‌ی زبان‌آموزی و جامعه‌پذیری و خلاقیت بررسی می‌کنیم. بدین صورت که این سه دیدگاه را به شاخصه‌های گوناگون تقسیم می‌کنیم و سپس تک تک داستانها را از نظر تأثیرگذاری و گسترش این پارامترها تجزیه می‌کنیم. سپس کارآمدی داستانها را بدین صورت تعیین می‌کنیم که هرکدام از این داستانها تعداد شاخصه‌های بیشتری را گسترش دهد داستان بهتر و آموزنده‌تری می‌باشد.

هدف‌های کلی تحقیق:

هدف از این بررسی و تحلیل، بررسی داستانها و تأثیرگذاری این داستانها در زبان‌آموزی کودکان و همچنین رشد تربیت شهروندی و رشد خلاقیت کودکان می‌باشد.

فرضیه ویژه:

محتوای داستانهای موجود در کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی دربرگیرنده‌ی موارد تربیتی برای کودکان می‌باشد که منجر به پرورش خلاقیت و جامعه‌پذیری کودکان می‌گردد. (از دید مربیان)

روش انجام تحقیق:

روش تحقیق که بصورت کتابخانه‌ای می‌باشد، تحلیل محتواست و مشخصاً تمام داستانهای درون کتاب‌های فارسی پنج ساله‌ی ابتدایی مورد بررسی قرار می‌گیرد و با تجزیه‌ی داستانها، کارآمدی آنها را در نمودار ستونی مشخص می‌کنیم و در بخش دیگر، از فهرست پایانی کتابهای معرفی شده در کتابهای بخوانیم، بصورت تصادفی، پنج داستان از هر سال انتخاب می‌شود و توضیح مختصری درباره‌ی آن داده می‌شود.

اهمیت موضوع تحقیق:

باتوجه به جدیدالتألیف بودن این کتابها، بررسی خاصی بر روی آنها انجام نگرفته و با تحلیل این داستانها به‌عنوان پایه‌های آموزشی کودکان، ما می‌توانیم به تأثیرات آموزشی و تربیتی آنها بر روی دانش‌آموزان پی برده و نقاط مثبت و منفی آنها را دریابیم و اگر لازم باشد برای ارتقای کیفیت آنها، تغییرات لازم را بدهیم.

محدودیت‌های تحقیق:

در این تحقیق، محدودیتها دراختیار پژوهشگر می‌باشد، مانند:

۱- تصمیم درباره تعداد نمونه که در یک بخش، کل داستانهای درون کتاب را بررسی می‌کنیم و در بخش دیگر بصورت تصادفی پنج نمونه را گزینش می‌کنیم.

۲- مشخص کردن وسعت حوزه تحقیق و دامنه آن، که ما دامنه‌ی تحقیق را در دو حوزه‌ی زبان‌آموزی و تربیتی محدود کرده‌ایم.

تمرکز و تجسس در یک موضوع خاص و مورد علاقه، در این تحقیق ما مشخصاً بر روی رشد خلاقیت و جامعه‌پذیری کودکان متمرکز شده‌ایم.

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات:

داستان: سخن یا نوشته‌ای که ساختی روایی دارد و حادثه‌ای در آن اتفاق می‌افتد.

خلاقیت: توانایی که فرد در مواجهه با مشکل، قادر به حل آن باشد و با هر موقعیت جدید بتواند تفکر خود را برای غلبه بر مسائل، رشد دهد.

جامعه‌پذیری: آموزشهایی که فرد بتواند در آینده تبدیل به یک شهروند خوب شود و مسائل اطرافش را کاملاً درک کند و جایگاه خود را بداند.

ساختار: کتابهای فارسی بخشهایی دارد و چند قسمت از آن را می‌توان در حوزه داستان تعریف کرد که داستانهای تصویری جزئی از آنهاست.

کتاب فارسی مقطع ابتدایی: کتابهایی هستند شامل ۱۰ عدد که در دوره ۷ تا ۱۱ ساله آموزش کودکان در نظر گرفته شده‌اند که پنج کتاب بخوانیم و پنج کتاب بنویسیم که ما تحقیق خود را در کتابهای بخوانیم انجام می‌دهیم.

خلاصه‌ای از سایر فصلها:

ما در فصل دوم پیشینه‌ای از تحقیق را می‌آوریم. یکی در مورد زبان‌آموزی و اینکه در دوره دبستان چگونه باید این زبان‌آموزی ارائه شود. در بخش دیگر اصول و ویژگیهای اساسی حاکم بر برنامه زبان‌آموزی دوره ابتدایی، تعیین نیازها و تعیین اهداف یادگیری برنامه زبان‌آموزی پرداخته می‌شود. همچنین نکاتی در مورد جامعه‌پذیری و نیز خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن ذکر می‌گردد. پس از آن به ادبیات و خصوصاً نقش قصه و جایگاه آن در برنامه آموزشی کودکان پرداخته می‌شود.

در فصل سوم روش تحقیق و روش گزینش نمونه و همچنین نمودارهای آماری بکار رفته در تحقیق مشخص می‌شود.

در فصل چهارم و پنجم یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آنها بدین صورت ارائه می‌شود که ابتدا توضیح مختصری درباره ساختار کتابهای بخوانیم و تعداد داستانهای بکار رفته در آن داده می‌شود، سپس جدولی در تقسیم‌بندی کلی این داستانها از نظر نوع داستان، قالب، حدود زمانی و لحن و بیان می‌آید. در جدول بعدی داستانها بصورت مجزا از نظر نوع داستان، نویسنده، موضوع، قالب و حدود زمانی برشمرده می‌شود و سپس داستانها را برطبق نظرسنجی از تعدادی از مربیان در سه حوزه زبان‌آموزی و خلاقیت و جامعه‌پذیری تجزیه می‌کنیم و با استفاده از نمودار ستونی، کارآمدی داستانها را مشخص می‌نماییم.

در بخش دیگر از فهرست داستانهای معرفی شده در پایان کتابهای بخوانیم، ۲۵ کتاب بطور تصادفی گزینش می‌شود و درباره تأثیرات هر یک از این کتابها بر روی کودکان توضیح مختصری ارائه می‌گردد و در پایان نمونه‌ای از این داستانها آورده می‌شود.

فصل دوم

سابقه موضوع تحقیق

زبان، ماهیت و ویژگی‌های آن^۱:

زبان به معنی عام شامل همه نظام‌هایی است که با استفاده از نشانه‌ها و علائمی محدود برای برقراری ارتباط به‌کار می‌رود. مثل نشانه‌هایی که موجوداتی چون زنبور عسل و برخی پرندگان به‌کار می‌برند و گاهی از آنها به‌عنوان زبان حیوانات یاد می‌شود. اما معمولاً مراد از زبان، «نظام ارتباط کلامی» است که گونه‌های مختلف آن در جوامع مختلف انسانی به‌کار می‌رود.

همه کودکان از توانایی ویژه به نام «قوه نطق» (بیان) برخوردارند. کودکان سراسر جهان در همه زمانها و مکانها، با دارا بودن این توانایی بالقوه می‌توانند در مراحل رشد طبیعی خود، زبان جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند بیاموزند. این توانایی بالقوه به هیچ یک از زبانهای جهان وابستگی خاصی ندارد؛ زیرا کودکان در هر «جامعه زبانی» که قرار گیرند، زبان همان جامعه را می‌آموزند. البته در مواردی، کودک قادر است حتی دو یا سه زبان نیز بیاموزد؛ مانند برخی کودکان که در محیط خانواده در معرض یادگیری زبان ترکی و در محیط همسالان در معرض یادگیری زبان فارسی قرار می‌گیرند.

با این اوصاف، می‌توان گفت قوه نطق یا بیان، ویژگی‌ای است که همه انسانها از آن برخوردارند و نمود عینی این قوه به‌صورت زبانهای مختلف در جوامع زبانی بشری به‌چشم می‌خورد، مانند جامعه فارسی زبان، جامعه انگلیسی زبان و جامعه عربی زبان. اما با وجود همگانی بودن زبان در جوامع بشری، تاکنون تعریفی که مورد پذیرش همه زبان‌شناسان باشد، ارائه نشده است؛ چرا که صاحب‌نظران باتوجه به پایگاههای فکری و دیدگاههای فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی خود زبان را از جنبه‌های متفاوتی تعریف کرده‌اند.

زبان نظامی منسجم از قواعد و نشانه‌های قراردادی آوایی است که به‌صورت خلاق و بدون وابستگی به زمان و مکان در جوامع انسانی ایفاگر نقشهای متعددی است که مهمترین آنها نقش ارتباطی است در تعریفی که از زبان ارائه شد مفاهیمی به چشم می‌خورند که به ماهیت زبان اشاره دارند و در واقع ویژگیهای اصلی زبان را تشکیل می‌دهند. این ویژگیها عبارتند از:

- ۱- نظام‌مند بودن
- ۲- قراردادی بودن نشانه‌های زبانی
- ۳- خلاقیت زبان
- ۴- عدم وابستگی به زمان و مکان
- ۵- چند نقشی بودن زبان

مشاهدات نشان می‌دهد که بین گویندگان و نویسندگان برخی زبانها با وجود شباهتهایی بسیار زیاد در عناصر آوایی و حتی یکسان بودن حروف الفبا و همچنین واژگان مشترک فراوان، تفهیم و تفاهم پیام صورت نمی‌گیرد. دلیل اصلی عدم برقرار ارتباط زبانی این است که زبانها با وجود اشتراک فراوان در عناصر سازنده خود، هر کدام دارای قواعد، ساختار و به سخن دیگر «نظامی» جداگانه و منحصر به فردند. نظام، مجموعه‌ای از عناصر و قواعد است که به‌صورت یک کل به هم پیوسته برای یک هدف خاص به‌کار گرفته می‌شود. سخن از نظام‌مند بودن زبان به این معناست که هر زبان را باید به‌عنوان شبکه‌ای فرض کرد که ارتباط منطقی و مورد

^۱- زندگی، بهمن، زبان‌آموزی، صفحات ۱ تا ۸.

نظر بین عناصر درونی آن شبکه توسط قواعدی خاص برقرار می‌گردد.

بنابراین لازم است در بررسی مسائل مرتبط با زبان مثل تحول زبان، زبان‌آموزی، یادگیری زبان و غیره این پدیده را به‌عنوان یک نظام منسجم در نظر بگیریم.

ویژگی دوم زبان این است که عناصر آن شامل نشانه‌های قراردادی است. در تعریف نشانه می‌توان گفت: نشانه عبارت از چیزی است که بر چیز دیگری غیر از خودش دلالت می‌کند؛^۱ مثلاً نشانه «؟» بر یک سؤال و نشانه «ببر» بر یکی از حیوانات خانواده گربه‌سانان دلالت می‌کند.

وجود نشانه‌های مختلف در زبانها برای پدیده‌ها، اشیا و موجودات یکسان نشان می‌دهد که نشانه‌های زبانی مانند نشانه‌های دیگر عیناً با مدلول خود منطبق نیستند. مثلاً حیوانی که در زبان فارسی با نشانه «شیر» از آن یاد می‌شود، در عربی با نشانه «اسد» و در انگلیسی با نشانه «lion» نامیده می‌شود؛ همچنین برای «سیب» که یکی از نشانه‌های قراردادی زبان فارسی است در ترکی «آلما» در انگلیسی «apple» و در فرانسه «lapomme» به‌کار می‌رود.

البته در ارتباطات زبانی بجز نشانه‌های کلامی، نشانه‌های غیرکلامی مانند حرکات اندامها و حالات چهره هم به‌کار می‌روند که بجز برخی که جهانی‌اند، بقیه به‌صورت قراردادی در هر فرهنگ و جامعه زبانی کاربرد خاصی دارند. مثلاً در فرهنگ ما و بیشتر کشورهای غربی حرکت دادن سر به پایین نشانه موافقت و حرکت دادن آن به بالا نشانه مخالفت است؛ اما در برخی کشورهای مدیترانه‌ای این موضوع کاملاً برعکس است.

دیگر ویژگی مهم زبان «خلاقیت» است. منظور از خلاقیت یک نظام، مانند نظام زبان، این است که به کاربران خود یعنی انسانها برای تولید و درک پیامهای تازه، توانایی نامحدود می‌بخشد. زبانهای انسانی برخلاف دیگر نظامهای ارتباطی دارای این ویژگی می‌توانیم با به‌کارگیری عناصر محدود زبانی مثلاً چند صامت و چند مصوت یا ۲۲ حرف الفبا تعداد بی‌شماری پیام شفاهی یا مکتوب ارائه و یا دریافت نماییم که هر دسته ممکن است در موقعیتهای مختلف زمانی، مکانی، روابط و شرایط اجتماعی به‌کار روند.

انسانها حتی در سن کودکی هم با استفاده از خلاقیت زبانی قادرند بسیاری از جمله‌ها را که هرگز قبلاً آنها را نشنیده‌اند درک نموده، در شرایط مختلف جمله‌هایی را برای اولین بار بسازند و ارائه دهند. بنابراین می‌توان گفت ویژگی خلاقیت زبانی، ما را قادر می‌سازد با یادگیری تعداد محدودی عنصر و قاعده، تعداد نامحدودی جمله ساخته و ارسال کرده، یا دریافت و درک نماییم. بدین ترتیب به هیچ وجه نمی‌توان زبان را حاوی چند جمله کلیشه‌ای دانست. ویژگی خلاقیت، زبان را به‌صورت پدیده‌ای پویا درآورده که همواره قادر است نیازهای ارتباطی بشر را مرتفع نماید. اگر زبان حاوی چند جمله ثابت و کلیشه‌ای بود و توان خلاقیت نداشت، درحقیقت انسان نیز نمی‌توانست به‌عنوان موجودی پویا قد علم کرده، جامعه خود را هر لحظه دچار تحول نماید.

دیگر ویژگی زبان عدم وابستگی و آزاد بودن از قید زمان و مکان است. این ویژگی یکی از مهمترین تفاوتهای نظامهای ارتباطی زبان انسان با نظامهای ارتباطی جانوران است؛ چرا که آنها فقط در زمان حال و مکان بخصوصی کارایی دارند، ولی زبان انسان را می‌توان فراتر از مکان و زمان به‌کار برد. ما قادریم نه تنها درباره موقعیت کنونی خود بلکه درباره گذشته و آینده و وقایع مکان حاضر یا دورترین نقاط جهان و حتی درباره چیزهایی که وجود خارجی ندارند یا در زمان گذشته رخ داده و یا در آینده رخ خواهند داد، صحبت کنیم و مطالبی بخوانیم و بنویسیم.

^۱ - مبانی زبان‌شناسی؛ دکتر ابوالحسن نجفی، ص ۱۲.

همین ویژگی زبان در کنار ویژگی خلاقیت زبانی است که باعث شده است جوامع انسانی برخلاف جوامع حیوانات «ایستا» نبوده و از «پویایی» خاصی برخوردار باشند. انسانها با استفاده از این ویژگی زبان، تجربه‌های خود را به نسلهای دیگر منتقل کرده‌اند و نسلهای بعدی توانسته‌اند تفکرات و تجربیات گذشتگان را تحلیل کرده، از آن به‌عنوان مبنایی برای پیشرفتهای نظری و عملی سود ببرند. این فرایند که ویژگی عدم وابستگی زبان به زمان و مکان در آن نقش اساسی ایفا می‌کند، باعث بقا و توسعه فرهنگ و تمدن بشری شده است. اگرچه از ده هزار سال پیش، پس از ابداع خط، زبان مکتوب با درنوردیدن زمان و مکان، دانش بشری را نسل به نسل منتقل می‌کرد اما اکنون با اختراع دستگاههای ارتباطی جدید مثل رادیو، ضبط صوت، تلویزیون، ویدئو، تلفن، رایانه و نامبر زمینه بیشتری برای نمایش قدرت زبان و آزاد بودن از قید زمان و مکان فراهم شده است.

ویژگی مهم دیگر زبان «چند نقشی» بودن آن است. همان‌طور که در تعریف زبان گفته شد، نظامهای زبانی در جوامع بشری نقشهای متعددی ایفا می‌کنند که مهمترین آنها ایجاد ارتباط است. اما علاوه بر نقش ارتباطی، زبان در فرآیند تفکر انسان نقش عمده‌ای ایفا می‌کند که از این نقش زبان با عنوان «تکیه‌گاه اندیشه» یاد می‌شود.

همچنین انسانها از زبان علاوه بر ایجاد ارتباط و تسهیل‌کننده فرایند تفکر، برای بیان حالت‌های عاطفی و احساسات فردی هم استفاده می‌کنند که این نقش زبان را حدیث نفس می‌نامیم. گاهی نیز زبان در خدمت روح هنری انسان قرار می‌گیرد تا پاسخگوی نیازهای زیبایی شناختی ما باشد. این نقش زبان را «نقش هنری» زبان می‌خوانیم. در اینجا فقط به توضیح نقش ارتباطی زبان می‌پردازیم.

نقش ارتباطی: از مهمترین ویژگیهای نوع انسان دارا بودن زندگی اجتماعی است که در پرتو شکل‌گیری گروه‌های متنوع انسانی مثل خانواده، روستا، شهر و کشور متبلور می‌شود. بدیهی است هر گروه برای تماس با یکدیگر به وسیله‌ای ارتباطی نیاز دارد. در اجتماعات انسانی، زبان این نقش را ایفا می‌کند و به‌عنوان مهمترین وسیله ارتباطی گروه‌های انسانی به‌کار می‌رود. زبان به‌عنوان وسیله‌ای خلاق و پویا و فارغ از زمان و مکان، امکانات وسیعی در اختیار جوامع انسانی قرار می‌دهد. این امر باعث شده است حیات اجتماعی ما در همه شرایط با زبان عجین شود. همه ما در خانواده، محل کار، اماکن آموزشی، نظامی، تجاری و غیره به نحوی از زبان و گونه‌های مختلف آن برای ارسال یا دریافت پیام استفاده می‌کنیم. بجز موارد معدود مثل شیپور جنگ و طبل در اقوام بدوی، روشن کردن آتش و علامت دادن با آینه تقریباً هیچ رسانه‌ی ارتباطی نیست که به نحوی از زبان استفاده نکند.

تلفن، تلگراف، رادیو، تلویزیون، خدمات پستی، فاکس، رایانه، اینترنت، کتاب، مجله و روزنامه همه و همه از زبان گفتاری یا نوشتاری سود می‌برند. تمام تبلیغات سیاسی، تجاری و فرهنگی؛ ارتباطات نیروهای مسلح؛ مواعظ دینی و سخنرانیهای علمی؛ برنامه‌های آموزش رسمی و غیررسمی؛ هنرهای نمایشی پرکاربرد مثل تئاتر و سینما؛ ارتباطات حمل و نقل هوایی، دریایی و راه‌آهن؛ معاملات؛ و دهها مورد دیگر از مسائل زندگی اجتماعی انسان با استفاده از نقش ارتباطی زبان تحقق می‌یابد. شاید بتوان گفت فشارهای روانی که به محبوسان زندان انفرادی وارد می‌آید به میزان وسیعی ناشی از قطع استفاده از نقش ارتباطی زبان باشد. به هر حال می‌توان گفت نخستین و اساسی‌ترین نقش زبان ایجاد ارتباط بین انسانهاست.

گونه‌های زبان

از آنجا که بین انسانها و جوامع بشری به لحاظ عوامل مختلف، تنوعات بی‌شماری وجود دارد، زبان نیز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، ثابت و بدون تنوع نیست. عواملی مانند مکان جغرافیایی، طبقه‌های اجتماعی،

جنسیت، سن، تحصیلات، موقعیتهای ارتباطی و روابط بین فردی اقتضا می‌کنند که زبان نیز در شرایط متفاوت، از تنوع و گونه‌های متفاوت برخوردار باشد. با این حساب، می‌توان گفت نه تنها گونه‌های مختلفی از زبان در هر جامعه زبانی وجود دارد بلکه هر شخص نیز بنا به شرایط خاصی ممکن است از گونه‌های مختلف زبان استفاده کند.

گونه‌های زبانی عبارتند از^۱: گونه‌های شخصی، گونه‌های زمانی، گونه‌های جغرافیایی، گونه‌های اجتماعی، سیاق، سبک و رسانه.

گونه‌های شخصی: گونه شخصی یا گونه فردی نشان‌دهنده ویژگیهای مشخصی است که گوینده یا نویسنده در استفاده از زبان به‌کار می‌گیرد. این ویژگیها در سطوح مختلف آوایی، واژگانی و دستوری به چشم می‌خورند و به اصطلاح «تکیه کلام» نامیده می‌شوند. البته هر شخص ممکن است در شرایط خاصی از هر یک از گونه‌های زبانی استفاده کند. مثلاً یک معلم در کلاس از گونه محاوره‌ای فارسی معیار، در منزل با مادر یا پدر خود با یکی از لهجه‌های فارسی، هنگام صحبت با دوستان از گونه دوستانه فارسی و هنگام ارائه مقاله علمی به یک کنفرانس آموزشی از گونه رسمی فارسی سود می‌برد؛ لیکن معمولاً در همه این حالات، ویژگیهای فردی او بروز می‌کند. به فرض اگر یکی از آواها (مثلاً س) را به طرز خاصی تلفظ کند در همه موارد بالا این ویژگی قابل مشاهده است.

گونه‌های زمانی: گونه زمانی که آن را می‌توان گونه تاریخی هم خواند به گونه‌های یک زبان در جریان تحول آن تا دوران معاصر اشاره می‌کند. مثلاً زبان فارسی دارای گونه‌های تاریخی فارسی باستان، فارسی میانه، فارسی دری و فارسی معاصر است.

گونه‌های جغرافیایی: گونه جغرافیایی که اغلب با اصطلاح آشنای «لهجه» از آن یاد می‌شود بر اثر تحولات گوناگون زبان در مناطق جغرافیایی مختلف به وجود می‌آید. بدین ترتیب که در هر منطقه بنا بر شرایط خاص اجتماعی - فرهنگی، یک زبان بخصوص مثل فارسی دچار تحولات متفاوت می‌شود که این تحولات عامل به‌وجود آمدن لهجه‌های مختلف از همان زبان مشترک است. برای نمونه در فارسی امروز می‌توان لهجه‌های تهرانی، اصفهانی، مشهدی، شیرازی و یزدی را نام برد. زبان ترکی آذری در ایران نیز دارای لهجه‌هایی مثل تبریزی، ارومی، ماکویی و اردبیلی می‌باشد.

گونه‌های اجتماعی: به لحاظ تنوعاتی مختلفی که بین انسانها در اجتماع وجود دارد، زبان نیز به‌عنوان تابعی از این تنوعات دارای گونه‌های اجتماعی خاص می‌شود.

ماهیت ادبیات، انواع و کاربرد و تدریس آن در دوره دبستان^۲

در دوره دبستان علاوه بر آموزش زبان فارسی و مهارت‌های چندگانه آن (صحبت کردن، گوش دادن، خواندن و نوشتن) در قالب درس‌های فارسی، املا، جمله نویسی و انشا به آموزش مقدماتی ادبیات فارسی و انواع آن اعم از شعر و نثر نیز پرداخته می‌شود. بدیهی است برنامه آموزش ادبیات در دوره دبستان باید در قالب معیارهای ادبیات کودکان و نوجوانان ساماندهی و اجرا شود. آموزگاران مقطع ابتدایی برای موفقیت بیشتر در زمینه آموزش ادبیات، که بیشتر به جنبه ادراک شفاهی و خواندن متون شعر و نثر مربوط می‌شود، باید از دانش و آگاهی لازم نسبت به ماهیت، مفاهیم و انواع گونه‌های ادبی برخوردار باشند. همچنین نسبت به

^۱ - درآمدی بر اصول ترجمه؛ دکتر لطفی پورساعدی، صص ۱۲۷، ۱۲۹.

^۲ - زندگی، بهمین؛ روش تدریس زبان فارسی (در دوره دبستان)؛ فصل نهم، صفحات از ۲۳۱ تا ۲۴۸.

ادبیات فارسی، از گذشته تا حال، شناخت کافی را به دست آورند و در نهایت از اصول ادبیات کودکان و نوجوانان مطلع گردند.

همه این نکات باعث می‌شود معلمان دوره دبستان بتوانند با به‌کارگیری روشهای صحیح به اهداف آموزش ادبیات در این دوره نایل آیند و دانش‌آموزان خود را با میراث گرانقدر ادبی و آثار دوره معاصر کشور آشنا ساخته، زمینه لازم را برای پرورش فکری و فرهنگی آنان فراهم نمایند.

ماهیت ادبی

درباره ادبیات تعاریف متعددی صورت گرفته است. در اینجا بدون اینکه وارد بحث و جدلهای نویسندگان شویم تعریفی از ادبیات را که مورد پذیرش بیشتر متخصصان است ملاک عمل قرار می‌دهیم:

ادبیات هنری کلامی است که «برای بیان زیبا و متعالی احساس، عاطفه و اندیشه انسانی به‌کار می‌رود»^۱ و «در آن عامل تخیل دخیل است و درضمن با دنیای واقعی نیز ارتباط معنی‌داری دارد».^۲

طبق تعاریف بالا ادبیات در زمره هنرها طبقه‌بندی می‌شود و چیزی که آن را از دیگر هنرها متمایز می‌کند ابراز سازنده آن، یعنی کلام (زبان) است. همچنین این تعاریف تمایز ادبیات را با دیگر گونه‌های زبانی نیز روشن می‌کند و آن به‌کارگیری واژه‌ها و جمله‌های زبان به طرز زیبا می‌باشد. طبق این تعاریف، زبان در ادبیات در خدمت بیان احساس و عاطفه و اندیشه انسانی است و البته در قالبی زیبا و شوق‌انگیز که علاوه بر داشتن مایه‌ای تخیلی، با دنیای واقعی نیز ارتباط معنا‌داری دارد. بنابراین می‌توان گفت:

۱- ادبیات هنری کلامی است؛

۲- ادبیات برای بیان احساس، عاطفه و اندیشه انسانی به‌کار می‌رود؛

۳- تفاوت ادبیات با دیگر هنرها ابزار آن یعنی زبان است؛

۴- تفاوت ادبیات با گونه‌های دیگر زبان مثل زبان محاوره‌ای یا زبان علم، تعالی و زیبایی آن است؛

جایگاه ادبیات در جامعه

ادبیات یکی از قلمروهای بسیار مهم و گنجینه فرهنگی هر جامعه زبانی است. اراده متون ادبی به افراد جامعه به خودی خود هدف نیست، بلکه این کار باید دری را بر روی فرهنگ که زبان تکیه‌گاه برگزیده آن است بگشاید.

زبان درحقیقت دو نقش عمده دارد: از طرفی، ابزاری برای ایجاد ارتباط بین افراد یک جامعه زبانی می‌باشد و از طرف دیگر، تکیه‌گاه فرهنگ است که به معنای وسیع آن در کنار عناصر دیگر، ادبیات را نیز دربر دارد.

فرهنگ یک کشور در درجه اول در رفتار و کردار، شیوه زندگی، عادات و رسوم و روشهای افراد آن کشور در مبارزه با مسائل و مشکلات تجلی می‌یابد. در «وجه تمدنی» فرهنگ، انسان در پی کسب قدرت و تسلط بر طبیعت و استفاده هرچه بیشتر از مواهب آن است. در این وجه، انسان هر روز به قدرت «ابزارسازی» بیشتری دست می‌یابد که این امر در قلمرو علوم تجلی پیدا می‌کند. علاوه بر آن، جنبه وارسته‌تری از فرهنگ نیز وجود دارد که نقش آن مطبوع کردن زندگی و قرار دادن انسان در مافوق حوادث مادی و تبدیل او به اشرف مخلوقات است. در این وجه، انسان به جای ابزارسازی به «خودسازی» می‌پردازد. این امر در قلمرو

^۱ - فارسی نویسی برای کودکان؛ نادر ابراهیمی.

^۲ - داستان و ادبیات؛ جمال میرصادقی؛ ص ۱۲.

هنرها و ارزشهای معنوی محقق می‌شود و ادبیات که آن را «هنر کلامی» می‌نامیم، از عناصر این قلمرو محسوب می‌گردد.

به یاری ادبیات، انسان نتوانستن‌های خود را در ساحت واقعیت جبران می‌کند و به «آنچه باید باشد و نیست»، رنگ عینیت و تجلی محسوس می‌بخشد. ادبیات انسان را از دایره تنگ «تفرّد» و درون‌گرایی محض خارج کرده، در مسیر تعامل و تعالی اجتماعی قرار می‌دهد. ادبیات با آزاد بودن از قید زمان و مکان، انسان را قادر می‌سازد تا زمان و مکان را درنوردد و درباره گذشته، حال و آینده و همچنین درباره مکان حاضر یا دورترین نقاط جهان و حتی درباره آنچه وجود خارجی ندارد اندیشه‌ورزی کند. باید اذعان داشت که گرچه ممکن است ساحت اندیشه و زبان از یکدیگر متمایز باشد، نمی‌توان نقش زبان و ادبیات را در «کیفیت اندیشه انسان» نادیده گرفت. معمولاً اندیشه‌ورزان و خردمندان جامعه کسانی هستند که از اندوخته‌های ادبی بیشتری برخوردار هستند.

کسانی که آثار ادبی را مطالعه می‌نمایند، معمولاً دارای افق اندیشه وسیعتر و ژرفتری نسبت به مسائل جهان هستند.

زبانی که برای ایجاد ارتباط به‌کار می‌رود، از لحاظ زیبایی شناختی بسیار ساده و به دور از هرگونه پیچیدگی است. اما زبان ادبی با تغییراتی در ساختهای آوایی، صرفی و نحوی و معنای زبان، آن را طوری سامان می‌دهد که حس زیبایی شناختی انسان و طبع هنری او را تحت تأثیر خود قرار دهد. نویسنده اثر ادبی با کمک تخیل به خلق اندیشه‌ها و طرحهای خیالی می‌پردازد و به افسانه‌پردازی، نوشتن داستان و سرودن شعر دست می‌زند. خواننده اثر ادبی نیز آزادانه از مرز دنیای واقع فراتر رفته، در اوج زیبایی خود ساخته به پرواز درمی‌آید و از این رهگذر، رؤیاهای ناممکن را ممکن می‌سازد.

بنابراین، مطالعه متون ادبی در گسترش حس زیبایی شناختی دانش‌آموزان، تبلیغ ارزشهای معنوی، آشنایی با الگوهای رفتار انسانی و الا، گسترش باورها و نگرشهای مثبت و به‌طور کلی آزادی انسان از فشارهای روانی ناشی از زندگی مادی تأثیر بسزایی دارد.

انواع ادبیات و آثار ادبی زبان فارسی

۱) ادبیات داستانی

ادبیات داستانی بر آثار ادبی‌ای دلالت دارد که دربرگیرنده قصه، داستان کوتاه، رمان و نمایشنامه است. از این دیدگاه صورتهای دیگر ادبی مثل نمایشنامه منظوم، حماسه، تراژدی و کمدی جزو ادبیات داستانی محسوب نمی‌شوند بنابراین، منظومه‌های غنایی و بزمی مانند ویس و رامین، خسرو و شیرین و حماسه شاهنامه با وجود این‌که دارای «محتوای داستانی» هستند جزو ادبیات داستانی به‌شمار نمی‌آیند. اصطلاحاتی مثل داستان، قصه، افسانه، حکایت، سرگذشت، ماجرا، مثل، مثل، اسطوره، حدیث، انگاره، خرافه، حسب حال و ترجمه احوال در اغلب فرهنگهای فارسی مترادف یکدیگر آورده شده‌اند. در متنهای ادبی و داستانی قدیمی فارسی نیز مفهوم این اصطلاحات به هم آمیخته است به‌صورتی که مفاهیم آنها را نمی‌توان از هم جدا و مشخص کرد و برای استعمال و کاربردشان تعریفی جداگانه ارائه داد.^۱

۱- قصه: ادبیات داستانی تقریباً از اوایل مشروطیت در ایران رواج یافته است. پیش از آن مردم ایران به قصه‌خوانی خو گرفته بودند و قصه‌های شاهنامه، قصص قرآنی، حسین کرد شبستری و امیرارسلان را

۱- ادبیات داستانی؛ جمال میرصادقی؛ ص ۲۳.

می‌خواندند. این نوع قصه‌های عامیانه بظاهر هدفی جز سرگرمی و مشغول ساختن شنوندگان خود نداشتند، اما در واقع برای ستایش خوبیها، جوانمردیها و بزرگداشت خصایل نیک و فضیلت‌های اخلاقی و نفی رذایل و پستیها به وجود آمده بودند و غالباً در قهوه‌خانه‌ها به صورت نقالی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.^۱

قصه به نوعی ادبیات خلاق اطلاق می‌شود که بیشتر جنبه غیر واقعی و خیالی دارد تا جنبه واقعی و تحقق پذیر. ^۲ بنابراین می‌توان قصه را شامل همه قصه‌ها، افسانه‌ها، حکایات و سرگذشتها دانست. از این لحاظ می‌توان گفت قصه‌ها شامل آثار ادبی ای هستند که در آنها تأکید بر «حوادث خارق العاده» بیشتر از تحول و تکوین آدمهای قصه است.^۳

در قصه کمتر به فضا و محیط اجتماعی، خصوصیات ذهنی و روانی و تأثیر عاطفی و درونی شخصیتها توجه می‌شود. در حقیقت در قصه‌ها «قهرمان» وجود دارد و در داستانها «شخصیت» دیده می‌شود. به طور کلی در قصه‌ها فرد تحسین برانگیزی که واجد برخی از آرمانهای بشری است قهرمان قصه نامیده می‌شود. قهرمانان قصه‌ها، ضعفها، ناتوانیها و آسیب پذیریه‌های انسانهای معمولی را ندارند. پرتلاش و خستگی ناپذیرند و امراض و بیماریها و زخمهای شمشیر بر آنان کارگر نیست.

از لحاظ عناصر و ساختار زبانشناختی متن، قصه‌ها شکلی ساده و ابتدایی دارند و سبک زبانی آنها روایتی و نقلی است. گونه زبانی منتخب در قصه‌ها اغلب نزدیک به گونه گفتاری و محاوره‌ای مردم عادی است و اصطلاحات، واژگان و ضرب المثلهای عامیانه در آنها زیاد یافت می‌شود.

انواع قصه‌های فارسی از لحاظ محتوا.^۴

۱. قصه‌هایی که ماجراهای آنها از زبان حیوانات روایت می‌گردد و اعمال و احساسات انسان به حیوانات نسبت داده می‌شود که اغلب جنبه تمثیلی و نمادین دارد. مثلاً حيله گری را به روباه و حسد را به کلاغ و شجاعت را به شیر نسبت داده‌اند، مثل قصه‌های کلیله و دمنه و مرزبان نامه. به این نوع قصه‌ها «افسانه» می‌گویند. افسانه معمولاً قصه نمادین کوتاهی است که متضمن نکته‌های اخلاقی می‌باشد و در آن حیوانات و حتی جمادات چون انسان رفتار می‌کنند و حرف می‌زنند.

۲. قصه‌هایی که حاوی سرگذشتها و ماجراهای شاهان، سرداران، بازرگانان و مردان و زنان گمنامی است که بر حسب تصادف با وقایع عبرت انگیز و حکمت آموز و در عین حال شگفت آور رو به رو می‌شوند. این قصه‌ها به زبان ساده و رایج هر زمان بازگو شده‌اند و از آنها به عنوان «قصه‌های عامیانه» نام می‌برند. قصه‌های عامیانه فارسی اغلب جنبه پهلوانی و سلحشوری و حماسی دارند، مثل سمک عیار، اسکندرنامه و برخی قصه‌های اساطیری مثل داراب نامه. برخی قصه‌های عامیانه فارسی نیز بیشتر سرگرم کننده هستند تا عبرت آموز، مثل قصه‌های هزار و یک شب. البته قصه‌های سندبادنامه و بهار دانش به نشری فصیح و شیوا نگاشته شده‌اند.

۳. قصه‌هایی که بازگو کننده شرح احوال و ذکر کرامات عارفان و بزرگان دینی و مذهبی است، مانند حکایتهای اسرارالتوحید و تذکره الاولیاء.

^۱ - همان منبع.

^۲ - همان ص ۳۱-۳۸

^۳ - همان ص ۷۱

^۴ - همان جا